یاد

مراسم ترحیم «قمرآریان» برگزار شد

■ مراسم ترحیم قمر آریان در مسجد نور برگزار شد. حجت‌الاسلام یاری، خطیب مراسم ترحیم قمر آریان، از این نویسنده و پژوهشگر فقید به عنوان یکی از بانوان برجسته دانشگاهی یاد کرد و گفت: وی صاحب تالیف‌ها و ترجمه‌های متعددی است و همچنین اهل شعر و هنر بود. هنگامی که با زنده‌یاد عبدالحسین زرین‌کوب ازدواج کرد، یک خانواده علمی تشکیل دادند و آثار اثرگذار علمی به یادگار گذاشتند. به گزارش ایسنا او در ادامه با تاکید بر اینکه این سخنرانی به ارزش و فضیلت علم می‌پردازد، با استناد به آیه‌هایی از کلام وحی، به اهمیت و جایگاه علم در دین مبین اسلام پرداخت. به گزارش ایلنا، حجت‌الاسلام سیدمحمود دعایی، محمدرضا شفیعی‌کدکنی، تقی پورنامداریان، علی دهباشی، توفیق سبحانی، هادی ایازی، احمد مسجدجامعی، اسدالله امرایی، سهیل محمودی و جمعی از دوستان و اقوام زنده‌یاد آریان در این مراسم شرکت داشتند. همچنین کریم زمانی، محمدابراهیم باستانی‌پاریزی، سهیل محمودی، ناصر تکمیل‌همایون، اصغر دادبه، ایرج پارسی‌نژاد، نعمت احمدی، احمد رسا (پزشک و دوست خانوادگی آریان)، کاظم موسوی‌بجنوردی، ادیب برومند، سیدفرید قاسمی، غلامرضا امامی، حسین صفاری‌دوست و عظیم زرین‌کوب حضور داشتند.

هفت هنر

سریال‌سازی یعنی فرهنگ‌سازی

محمد میلانی

■ اگر این فرض را بپذیریم که پخش سریال «هزار داستان» (سوای نادر بودنش در تاریخ فیلمسازی ما) در اواخر دهه ۶۰ - یعنی دهه‌ای که کشور از لحاظ زمانی درگیر طولانی‌ترین جنگ قرن بود - ذایقه مردم را در پذیرش و الهام‌گیری از آثار سینمایی در زندگی روزمره (به زعم واعتقاد ژان بودریار و هنری لوفور) تغییر داد بحث و انتظار ما از مفهوم سریال و تلویزیون در معنای رسانه بسیار متفاوت‌تر از چیزی می‌شود که هم اکنون در صورت عینی و اجتماعی قابل لمس و ملموس است. حتی ذکر این حرف که سریال در یک معنا عبارت است از هفته‌های متمادی که مردم رأس ساعت مشخصی جلو تلویزیون‌ها میخکوب می‌نشینند تا یک روایت و داستان را از درون رسانه‌ای به نام تلویزیون ببینند باز هم از نگرانی‌های فرهنگی صاحبان دغدغه در این خصوص چیزی را کم نمی‌کند. مگر آنکه بگوییم جعبه تصویر و به بهانه این معادل فارسی که جز معنا در درونش هیچ روحی را نمی‌توانیم ببینیم، توانسته‌ایم خودمان را با این نوع گول زدن در برابر این دغدغه راحت کنیم. اتفاق ساخت سریال‌هایی از جنس هزاردستان یا عطر گل یاس یا... که در تاریخ سریال‌سازی ما بسیار نادر می‌توان تشابهاتی از این منظر برایشان پیدا کرد نه تنها امر ساده‌ای نیست بلکه ایجاد تحول تاریخی آنها در ذایقه‌های عوام و در مراتبی کل اقشار جامعه هم امر ساده‌ای نبود. حتی عملکرد کسی مثل مهران مدیری و سایر طنزکاران هم‌قطارش که با مجموعه طنز نوروز ۷۲ شناخته شدند هم این‌گونه بود. اتفاقی از این نوع و سایر موارد فوق که در تلویزیون ما می‌افتاد، نادر بود. اینان ذایقه رویکرد مردم به طنز را تغییر می‌دادند و به مردم می‌قبولاندند که پشتکارو زدن جلو دوربین یا چشم‌ها را ۱۸۰ درجه چپ و راست کردن تنها راه خنداندن مردم نیست و آنها به جامعه می‌فهماندند که بازیگری هنر است. فیلمنامه نوشتن هنر است. پرداخت به رویدادهای انسانی از دریچه رسانه به طوری که بتوان فرهنگ را در جامعه جاری و ساری کرد، هم فنی است که شعبده در برابرش کم می‌آورد. امروز باید آگاه بود که با کار شخصیت‌های بازیگر در سریال‌ها می‌توان در کشوری به این وسعت فرهنگ ایجاد کرد. تخم رفتار و حرکت‌های مثبت انسانی پاشید و انسان به مثابه انسان یعنی صورتی از خیر به جامعه تحویل داد. این رویدادها اگرچه رویدادهای شگرف و بلا رقیبی نبودند، اما دست‌کم می‌توانند در دیرینه‌شناسی تاریخ سریال‌سازی در ایران از تبیین و تحلیل تاریخی کرده و در عین حال برای عملکرد بهتر در این خصوص راهکارهای ارزشمندی برای مدیران فرهنگی پیش‌روی آنها گذاشت. اما اذهان پیر و جوان اجتماع امروز ما تشنه تزریق فرهنگ جدید است. این مساله آنقدر حیاتی و نگران‌کننده است که بی‌مقدمه به سراغ آن باید رفت چرا که سریال‌سازی یا همان فرهنگ‌سازی به معنای کلمه واژه نامفهومی برای مدیران فرهنگی ما شده است، زیرا امروز سریال در ایران ما یعنی کار یا جایی که چند بازیگر و چند عامل فنی از قبل آن نان می‌خورند و رفته رفته به همان سمت هم سوق پیدا می‌کنیم که از آن در ابتدای راه بیم داشتیم؛ یعنی آغاز همان شرایطی که از آن اگر فرار نکنی چنان جانت را تصاحب می‌کند که دیگر مجالی برای فرار نیست تا چه بماند به کاشت بذرهای فرهنگی در اجتماع انسانی. در این سیر روایی است که پناه ما به دامان سریال‌های خارجی با داستان‌های ایرانی یعنی از همان نوع بلاهایی که سر سریال فقر و فحشا (اوشین) یا... آمد، می‌شود آفت سریال‌سازی‌های ما در رسانه‌ای به نام ملی. چنین جریان شلوغی که می‌خواهد هر شب یک ساعت یا دو ساعت مخاطبان عام خود را روبه‌روی تلویزیون بکارد یا به زعم خود میخکوب کند نه تنها تاب و توان تولید سریال‌های بامعنا و عمیق انسانی و ایرانی را دیگر ندارد، بلکه تبدیل به یک گزینه مشابه در برابر گزینه‌های دیگر مثلا سریال‌های گیرای فارسی‌وان، زمزمه، جم کلاسیک و یکی دو تای دیگر شده است. درست مثل همین شرایط موجود یعنی همین حالا، همین هفته آخر فروردین ماه ۹۱.

اخبار فرهنگی

بهروز غریب‌پور

امروز امیرتیمور که خیالش از تسلط بر شیراز راحت شده است، خواجه‌شمس‌الدین محمد حافظ را به حضور پذیرفته و او را شماتت کردند که ما از ۱۴سالگی و بلکه از خیلی پیشتر، خودمان را به آب و آتش زده‌ایم تا جهان‌گشایی کنیم و شما مفت و مسلم جهان‌بخشی می‌کنی؟! تو گفته‌ای: اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را، به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را؟ و آنچه که ما با کشتن و کشته‌دادن به دست می‌آوریم تو یک‌لاقبا مفت و به‌رایگان به این و آن می‌بخشی و بنا بر گفته بعضی از اشخاص حاضر در محضر امیرتیمور، سلطان گورکانی چنان متغیر و دست به قبضه شمشیر بودند که اگر خواجه جسارتی می‌کرد امیر در آن او را دو نیم می‌کرد... . خلاصه می‌خواسته‌اند بفرمایند تو اصلا چکاره‌ای که چنین بذل و بخششی می‌کنی؟ و تو اصلا کی هستی که سمرقند و بخارا را نثار یک دخترک خالدار هندی بکنی؟ اما جناب حافظ که در حاضرجوابی و بذله‌گویی از نوادر زمان‌اند بلافاصله پاسخ دادند حق با حضرت‌عالی است ما از زیادت دست‌ودلبازی به این وضع در آمده‌ایم که ملاحظه می‌فرمایید ما جهان را می‌بخشیم و مفلس می‌شویم و شما جهانگیر می‌شوید و متنعم. و در اینجا به لباس ژنده‌اش اشاره کرد و فرمود بفرمایید؛ این هم نتیجه بذل و بخشش ما! و با این حرکت خشم امیرتیمور را فرو نشاند و امیر که به سیاق قدرتمندان کمتر می‌خندد و گویا هرگز نخندیده‌اند از این حاضرجوابی لبخندی نمکین بر لبان جاری فرموده و دستور دادند که به حال و روز این شاعر توجهی بکنند. در پایان این دیدار این شاعر شیرازی به خبرنگار ما گفتند:

ابر آزاری بر آمد باد نوروزی وزید
وجه می‌خواهم و مطرب که می‌گوید رسید؟
شاهدان در جلوه و من شرمسار کیسه‌ام
ای فلک این شرمساری تا به کی باید کشید؟

و سپس با همان بزرگواری همیشگی فرمودند اینها که من و امثال من می‌گوییم برای آیندگان است که بدانند ما اگر خلعتی هم گرفته‌ایم ایمان‌مان را در گرو هیچ چیز نگذاشته‌ایم و در ادامه گفتند:

قسم به حشمت و جاه و جلال شاه شجاع
که نیست با کسم از بهر مال و جاه نزاع

ایشان که به لسان‌الغیب مشهورند در ادامه فرمودند تا دنیا دنیاست وضع شاعران و هنرمندان چنین خواهد بود ولی خداوند تبارک‌وتعالی هر کسی را بهر کاری ساخته‌اند و این خواجه ژنده‌پوش تنگدستی و درویشی را با هزار سلطانی عوض نخواهد کرد و در مقابل اصرار و سوال خبرنگار ما که اکنون در چه شرایطی زندگی می‌کنند فرمودند:

بی تو در کلبه گدایی خویش
رنج‌هایی کشیده‌ام که مپرس

و در یک چشم به هم زدن و در میان تاسف خبرنگاران به نقطه نامعلومی تمایل کرده و از کاخ امیرتیمور گورکانی دور شدند.

خبرنگار ما از محمد گل‌اندام یار و غار خواجه شمس‌الدین محمد شنیده است که چندی پیش حافظ همه اشعار نوشته شده‌اش را از ترس به درون تنور نانوایی انداخته است.

عکاس افغانستانی برنده «پولیتزر» شد

شرق- فاطمه عسگری‌آزاد: روزنامه‌نگاران تمام سال برای انتشار اخبار جوایز جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها و کنفرانس‌ها تلاش می‌کنند اما یک روز در سال است که آنها خودشان سوژه می‌شوند و جایزه می‌گیرند، روزی که قرار نیست کسی جز خود آنها ستاره باشد و در رسانه‌ها بدرخشد. جایزه پولیتزر جزو معتبرترین جایزه روزنامه‌نگاری جهان است که هر سال در آمریکا با نظارت دانشگاه کلمبیا به روزنامه‌نگاران، نویسندگان، شاعران و موسیقیدانان داده می‌شود. پولیتزر شامل جایزه روزنامه‌نگاری (در رشته‌های مختلف شامل روزنامه‌نگاری تشریحی، بین‌المللی، محلی، جامعه، انتقادی و...)، ادبیات، موسیقی است و جایزه نیم‌میلیون دلاری‌ای نیز به بهترین عکاس خبری که عکس منتخب افشاگرانه و جسورانه سال را بگیرد، داده می‌شود. خبرنگاران و رسانه‌های مختلف همه در انتظار فهرست برندگان این جایزه هستند و دریافت آن برای هر رسانه و هر روزنامه‌نگاری مساوی با کسب اعتبار حرفه‌ای و اعتماد مخاطبان است. «سارا گنیم» خبرنگار ۲۴ساله روزنامه پتریوت نیوز از ایالت پنسیلوانیای آمریکا به دلیل پوشش رسوایی جنسی در یک دانشکده آمریکا برنده نودوچهارمین جایزه پولیتزر شد. روزنامه نیویورک‌تایمز تنها روزنامه‌ای است که نامش در فهرست جوایز پولیتزر تکرار شده است؛ گزارشگری امور بین‌الملل و گزارشگری تشریحی دو رشته‌ای است که نام نیویورک‌تایمز را در فهرست بهترین‌ها قرار داده است، David Kocieniewsk خبرنگار تشریحی این روزنامه برای گزارش اینکه چگونه افراد ثروتمند و شخصیت‌های حقوقی از خلاهای قانونی برای فرار مالیات استفاده می‌کنند، جایزه پولیتزر را دریافت کرد. «ولسی موریس» از بوستون‌گلوب به‌عنوان بهترین منتقد شناخته شد. همچنین در این مراسم برای نخستین بار از سال ۱۹۷۷ در رشته ادبیات داستانی جایزه‌ای داده نشد. هافینگتون پست در رشته خبرنگاری ملی، شیکاگو تریبون در رشته گزارش رویداد و آسوشیتدپرس در رشته خبرنگاری تحقیقی، بخش کاریکاتور «مت ورکر» از «پولیتیکو» جوایز پولیتزر ۲۰۱۲ را از آن خود کردند. روزنامه فیلادلفیا برای بررسی افشای خشونت فراگیر در مدارس این شهر برنده جایزه خبرنگاری جامعه و «دیوید» برای گزارش‌های درد و رنج‌های سربازان آمریکایی در عراق و عربستان از روزنامه هافینگتون‌پست در زمینه گزارش بین‌الملل جایزه دریافت کردند. همچنین آریزونا ریپابلیک برنده اخبار فوری برای پوشش تیراندازی دسته‌جمعی در نزدیکی توکسان در ماه ژانویه بودکه منجر به کشته شدن شش نفر و زخمی شدن ۱۳ نفر شد. مدیرعامل این پایگاه خبری در مورد دریافت این جایزه گفت: «از اینکه تیم آریزونا حرفه‌ای است و توانست جایزه شیرینی رابرای گزارش این حادثه تلخ دریافت کند، بسیار خوشحال هستم.»

نمایشنامه «Water by the spoonfu» نوشته «کوییرا آلگریا هودس»، در بخش تاریخ «Malcolm X: A life of reinvention» نوشته «لیت ماننینگ مارابل»، در بخش زندگینامه‌نویسی «جرج اف.کنان: یک زندگی آمریکایی» «جان لویس گدیس» برگزیده شدند. همچنین در بخش شعر زندگی روی مریخ (Life on mars) نوشته ترسی‌کا. اسمیت، در بخش موسیقی Silent night: opera in two acts اثری از «کوین پوتزو»و در بخش اثر غیرداستانی: جایزه پولیتزر به «تغییر جهت: چگونه جهان مدرن شد» نوشته «استفن گرین بلات» تعلق گرفت. ترسی‌کا. اسمیت، دانشیار دانشگاه پرنستون که خبر برنده شدن این جایزه را نخستین بار از همسرش شنیده در مورد این جایزه گفت: «این خبر من را بسیار خوشحال کرد، زیرا من این کتاب را به پدرم که در سال ۲۰۰۸ فوت کرد، تقدیم کردم.» کتاب شعر او توسط کمیته جوایز این‌گونه توصیف شده است: «مجموعه‌ای جسورانه با اشعاری ماهرانه که خوانندگانش را در دنیایی از لذت و درد شریک می‌کند.»

«مسعود حسینی» عکاس خبری افغان از خبرگزاری فرانسه اولین افغانی برنده جایزه پولیتزر است. عکس حسینی دختر کوچکی به نام «ترانه» را در جریان یک انفجار انتحاری در مراسم عاشورای سال گذشته کابل به تصویر می‌کشد. این عکس با نام «این سرنوشت ماست» منتشر شده است.

گرفتن این عکس در صحنه‌ای اتفاق افتاد که عکاس هم در آن حضور داشت و او آسیب هم دید. همان روز این صحنه ناله کردن دختر تنها بر بالای جنازه خانواده‌اش در روزنامه‌های بزرگ منتشر شد. حسینی پیش از این با همین عکس برگزیده دومین جایزه عکس خبری شد.

«پولیتزر» پایان کار نیست

کاوه کاظمی

پولیتزر نام روزنامه‌نگاری است که از اسم او جایزه‌ای برای روزنامه‌نگاران در نظر گرفته شد؛ جایزه‌ای که در این سال‌های اخیر در ۲۷ رشته روزنامه‌نگاری اهدا می‌شود. پولیتزر یکی از جوایز معتبر جهانی است که به چندین شاخه رشته روزنامه‌نگاری از جمله عکاسی اعطا می‌شود و برای هرکسی که بتواند این جایزه را کسب کند، اسباب پیشرفتش را فراهم می‌کند. این جایزه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. اولین ایرانی‌ای که توانست این جایزه را از آن خود کند، جهانگیر رزمی بود که در سال ۱۹۸۰ این جایزه را از آن خود کرد. نام جهانگیر رزمی با عکس مشهورش از اعدام در کردستان پیوند خورده است. رزمی زمانی که در پنجم شهریور ۱۳۵۸، صادق خلخالی را در استان کردستان همراهی می‌کرد از تیرباران عده‌ای از مخالفان کرد و چند نفر از اعضای سازمان اطلاعات و امنیت شاهنشاهی ایران عکسبرداری کرد. البته نام این عکاس تا ۳۰ سال مشخص نبود. برای پی بردن به اهمیت جایزه پولیتزر باید به تاریخچه آن رجوع کرد، البته گرفتن این جایزه به معنای تمام‌شدن کار نیست. گرفتن جایزه تا مدت کوتاهی اسم افراد را بر سر زبان‌ها می‌اندازد و این خود فرد است که می‌تواند با ارایه کارنامه کاری خود را موفق‌تر از قبل جلوه دهد.

«گونتر گراس» بستری شد

گونتر گراس، نویسنده آلمانی دو هفته بعد از انتقادها و شعر جنجالی‌اش در یکی از شهرهای شمالی آلمان در بندر هامبورگ دچار مشکل قلبی و در یک کلینیک درمانی بستری شد. هفته گذشته این نویسنده از ورود به اسراییل ممنوع شد. گونتر گراس برنده جایزه نوبل همواره آثارش با استقبال روبه رو می شود.

«جیرجیرک» به چاپ دوم رسید

«جیرجیرک» آخرین داستان «احمد غلامی» به چاپ دوم رسید. این داستان ۶۷ صفحه‌ای در فرصت کوتاهی با استقبال منتقدان و مخاطبان روبه‌رو شد. جیرجیرک را نشر چشمه منتشر کرده و این اثر در قالب روایت‌های تودرتو به عشق، دوستی، زندان، روزنامه‌نگاری، اعتراف کردن یا فراموش شدن می‌پردازد.

بزرگداشت «جلال» و «سیمین»

بزرگداشت جلال آل‌احمد و سیمین دانشور در بیست‌وپنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران برگزار می‌شود. همچنین در نمایشگاه امسال غرفه‌ای ویژه برای این دو بزرگوار در نظر گرفته شده که آثار چاپی و دست‌نوشته‌های آنها را در معرض دید عموم قرار می‌دهد. نمایشگاه کتاب، ۱۳ تا ۲۳ اردیبهشت برگزار می‌شود.

ما به «کپی‌رایت» نیاز داریم

ایسنا: اخیرا احمدعلی محسن‌زاده- مدیرکل دفتر حقوقی و امور مالکیت معنوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی -از تهیه، تدوین و تقدیم لایحه مالکیت ادبی- هنری و حقوق مرتبط به دولت خبر داد. این مدیرکل با این استدلال که این موضوع باعث حمایت از سرمایه و فکر ایرانی و پیشرفت کشور خواهد شد، عقیده دارد، پیوستن به این قانون لازم است و اگرچه باعث محدودیت‌هایی می‌شود؛ اما بهتر آن است که به این قانون بپیوندیم و دیگر جزو چند کشوری که به عضویت قانون «کپی‌رایت» درنیامده‌اند، نباشیم. مدیرکل دفتر حقوقی و امور مالکیت معنوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره دلایل اصلی رفتن به سوی پیوستن به قانون «کپی‌رایت» عنوان کرد: «تلاش در جهت پیوستن به این کنوانسیون مضاعف کرد، تلاش کشور ما برای به عضویت درآمدن در سازمان تجارت جهانی (WTO) بود که در حال حاضر، عضو ناظر این سازمان هستیم و اگر مراحل طی شود، قصد داریم عضو این سازمان شویم.»

محسن‌زاده در پاسخ به این سوال که پیوستن به قانون «کپی‌رایت» ما را ملزم به رعایت تمامی مواد این قانون می‌کند، در حالی که به نظر می‌رسد در بعضی موارد از جمله مساله ممیزی کتاب‌های ترجمه مشکل پیدا کنیم، پاسخ داد: «به طور طبیعی ما به عنوان یک کشور پیشرفته نمی‌خواهیم ناقض حقوق کسی باشیم. این مساله را هم عقل و هم قانون می‌گوید و ما ملزم به رعایت حقوق همه دارندگان در همه عرصه‌ها هستیم. ما در حال حاضر احساس می‌کنیم به مرحله‌ای رسیده‌ایم که نقضی که در داخل کشور ایران از آثار کشورهای خارجی صورت می‌گیرد، کم‌تر از نقض قانونی است که در دیگر کشورها از آثار ما می‌شود و این مساله برای ما قابل تامل است.»

محسن‌زاده در پاسخ به این پرسش که معمولا هیچ مولفی اجازه نمی‌دهد کتابش با حذف و اضافه‌هایی منتشر شود و این موضوع ممکن است هنگام پیوستن ایران به «کپی‌رایت» مسایلی را به وجود آورد، گفت: وقتی کنوانسیون «برن» را می‌پذیریم، باید آن را با تمام ملحقاتش پذیرفت و به هر حال برای هر عضوی منافع و مضاری دارد. ما مجموع این منافع و معایب را بررسی کرده‌ایم و احساس کردیم با انجام مجموعه‌ای از اقدام‌ها و همچنین با توجه به منافع عظیم خود می‌توانیم به قانون «کپی‌رایت» بپیوندیم.

او در ادامه یادآور شد: ما الان پیش‌نویس را به دولت تقدیم کرده‌ایم. دولت از همه دستگاه‌ها نظرخواهی کرده است و پس از اینکه دستگاه‌ها نظرات خود را بدهند، ما نیز همایش مهم مالکیت ادبی و هنری را برگزار می‌کنیم و با توجه به این همایش و مباحثی که در آن مطرح می‌شود، آن را نهایی و از دستاوردهای منافع و معایب همایش استفاده می‌کنیم.

تمنا کردند مجوز دادیم

شرق: «مجوز یک هفته‌ای برای اجرای نمایش»، این پدیده‌ای است که به نظر می‌رسد از این به بعد باید برای نمایش‌هایی که به صحنه می‌آیند با آن روبه‌رو شد. هر چند که سابقه این مجوزها به این دوره و سال ۹۱ محدود نمی‌شود و در سال گذشته شاهد لغو مجدد بعد از بیش از یک هفته نیز بودیم. اما بنا بر خبری که روابط عمومی نمایش «ساق‌های لاغر کم خون» در اختیار رسانه‌ها قرار داده است؛ این نمایش که از ۱۷ بهمن در تالار استاد انتظامی خانه هنرمندان به صحنه رفته است؛ بعد از گذشت یک هفته به دلیل تمدید نشدن مجوز متوقف شده است. این اتفاق برخلاف وعده مسوولان برای تمدید مجوز بوده است. ظاهرا براساس تفاهمی بین گروه و خانه هنرمندان ایران، مدت زمان یک‌ماهه برای نمایش در نظر گرفته شده بود اما دو روز پیش از شروع نمایش، این گروه با مجوز یک هفته‌ای شورای نظارت و ارزشیابی مرکز هنرهای نمایشی مواجه شد. به گفته مجید سرسنگی رییس تماشاخانه ایرانشهر این نمایش براساس مجوز، ۱۵روز اجازه اجرا داشت و بعد از آن برای ادامه اجرا باید مجوز می‌گرفت. براساس وعده شورای نظارت و ارزشیابی قرار بود تا در صورت موافقت مدیرعامل خانه هنرمندان و میزان مخاطبان اثر، نمایش به اجرای خود ادامه دهد اما با وجود حمایت مدیریت خانه هنرمندان ایران و بلیت‌های فروخته شده، شورای مذکور مسایلی نامعلوم را بهانه اقدام خود کرد و این خلف وعده، موجب تعطیلی نمایش و بلاتکلیفی هنرمندان و تماشاگران شد.

اما مجید سرسنگی مدیرعامل خانه هنرمندان و رییس تماشاخانه ایرانشهر با بیان اینکه آمار فروش این تئاتر تا روز پایانی خوب بوده است و تماشاگران از آن دیدن کردند، می‌گوید: ما با ادامه اجرای این نمایش در صورت تمدید مجوز مشکلی نداریم و اگر شورای نظارت موافقت کند سالن انتظامی را در اختیار گروه قرار می‌دهیم. در نهایت این سوال را به ذهن خواهد آورد که اگر کاری در این سطح ضعیف است که تنها یک هفته می‌تواند مجوز اجرا بگیرد؛ چرا با توجه به هزینه‌های اجرای یک تئاتر و دکور، از همان ابتدا متوقف نمی‌شود. الوند در مورد این نمایش خاص می‌گوید: «ما هم از ابتدا نمی‌خواستیم مجوز بدهیم اما خود کارگردان آمد و خواهش و تمنا کرد که مجوز بگیرد. ما هم با توجه به اینکه یک گروه جوان هستند و باید از آنها حمایت شود با درخواست‌شان موافقت کردیم و حتی برای وقت سالن با مسوولان خانه هنرمندان صحبت کردیم و آنها هم لطف کردند تا این زمان را در اختیارشان قرار دادند. ما می‌خواستیم ثواب کنیم. قرار بود کیفیت کار بالاتر برود. ما بعد از صدور مجوز گفتیم که باید کیفیت کار را بالاتر ببرند. اما در طول اجرا متوجه شدیم نه تنها کیفیت بهتر نشده که کاری ضعیف و غیرقابل دفاع به صحنه رفته است. به همین دلیل مجوز را تمدید نکردیم.»او برخلاف نظر خود اعضای گروه که می‌گویند بلیت‌ها پیش‌فروش شده است، اعتقاد دارد که سالن خالی رفته است و تماشاچی نداشتند.

گزارش تصویری

مهر: برخی از اعضای کتابخانه ملی که قشر دانشگاهی کشور را شامل می‌شوند، تعدادی از کتاب‌های کمیاب آن را مورد آسیب جدی قرار داده‌اند. این کتاب‌ها اخیرا در ورودی تالار مطالعه کتابخانه ملی به نمایش درآمده‌اند. آنها به شیوه‌هایی از قبیل کشیدن ماژیک روی متن کتاب، پاره کردن صفحات، ریختن چایی و نوشیدنی‌های دیگر بر آن و حاشیه‌نویسی در صفحات کتاب، آسیب دیده‌اند.

فیلمبرداری فیلم سینمایی «استرداد» به کارگردانی علی غفاری و تهیه‌کنندگی محسن علی‌اکبری در پل ورسک ادامه دارد. تولید پروژه تاریخی «استرداد» وارد مرحله سوم فیلمبرداری شد. با پایان فیلمبرداری سکانس‌های مسکو، دریای خزر و باغ نگارستان مرحله سوم تولید پروژه «استرداد» در پل ورسک ادامه دارد.
در مسکو اماکن تاریخی‌ای چون کاخ کرملین، میدان سرخ، کلیسای اصلی مسکو، پناهگاه ۴۲ به‌عنوان لوکیشن مورد استفاده قرار گرفته است.

«شب‌های آوینیون» که پیش از این قرار بود سال گذشته در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر اجرا شود در قالب ۴۲ اجرا دی‌ماه امسال در سالن شماره یک تماشاخانه ایرانشهر به صحنه برده می‌شود. کوروش نریمانی کارگردانی که در سال ۷۹ این نمایش را روی صحنه برده بود، درباره گروه بازیگری می‌گوید: تمام تلاشم این است که بازیگران اجرای پیشین «شب‌های آوینیون» دور هم جمع شوند مهم‌ترین نکته برای من این است که این نمایش گرفتار ممیزی نشود. هیچ هنرمندی از ممیزی خوشش نمی‌آید و اگر شرایط برای اجرای باکیفیت این اثر فراهم نشود حاضر به اجرای «شب‌های آوینیون» نخواهم بود.

نگاه

صد سال به آن سال‌ها

احمد طالبی‌نژاد

■ چند روزی از تعطیلات نوروزی به تورق و سیاحت در کتاب مستطاب «صد سال اعلان و پوستر فیلم در ایران» پرداخته مسعود مهرابی مورخ سینمای ایران گذشت. جایتان خالی ضیافت دلپذیری بود. حالا دیگر می‌توان گفت مهرابی دینی به گردن سینمای ما ندارد از کتاب هنوز هم مهم و مرجع «تاریخ سینمای ایران» که کلیت سینمای پیش از انقلاب را دربر می‌گیرد گرفته تا فرهنگ سینمای مستند ایران، فرهنگ سینمای کودک و نوجوان و چند کتاب دیگر و اینک این کتاب عظیم و دیدنی که به راستی آموزنده است. این کتابی است برای دیدن که سیری دارد بر صد سال گرافیک در تاریخ حضور سینما در ایران.

مقدمه جامع و موجز کتاب هم تاریخچه کوتاهی است از سیر تحولات سینمای ایران و هم مروری است جامع بر آنچه به عنوان اعلان یا آگهی و پوستر فیلم طی یک قرن در ایران جریان داشته و بیش از ۶۰۰ عنوان را دربر می‌گیرد. هرچند خود مولف در مقدمه‌اش یادآوری کرده که این تعداد از میان ۲۵۰۰ نمونه‌ای که در دسترسش بوده گلچین شده‌اند، به همین دلیل برخی پوسترها به لحاظ پایین بودن کیفیت یا محدودیت‌های ناشی از ممیزی در این کتاب نیامده‌اند. واضح است که در اغلب پوسترها به‌ویژه در بین سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷ از تصویر زنان بازیگر به عنوان عاملی برای جذب مخاطب بهره گرفته می‌شد و با توجه به محدودیت‌ها امروزه امکان چاپ شدن ندارند به همین دلیل کسی که بخواهد از طریق این کتاب با کلیت سینمای ایران آشنا شود، تصور می‌کند سینمای ما چقدر مردانه بوده است، چون تقریبا هیچ پوستری که حاوی زنان بازیگر سینمای گذشته ما باشد، در این کتاب نیامده که دلیلش را توضیح دادم.

به هرحال مهرابی با اعلان یا به تعبیر بیضایی «دیوارکوب»هایی شروع کرده که در قطع‌های کوچک و بزرگ مردم را به محدود سالن‌های نمایش در اواخر دوره قاجار دعوت می‌کردند. نخستین آنها که در روزنامه «حبل‌المتین» شماره ۱۴۱ به تاریخ ششم رمضان ۱۳۲۵ (۲۱مهرماه ۱۲۸۶ هجری شمسی) چاپ شده مربوط است که مردم را برای دیدن سینماتوگراف دعوت کرده است.

«خیابان علاالدوله در عکاسخانه روسی‌خان عکاس مقابل خانه امیرانتظام همه شب از یک‌ساعت‌ونیم از شب گذشته تا شش ساعتی پرده‌های نوظهور ممتاز و عمل سینماتوگراف که عکسی متحرک تازه‌ترین اختراعات است، تماشا می‌دهد. مدت تماشا تقریبا یک ساعت است و همه شب پرده‌های آن تجدید خواهد شد. مقدم آقایان عظام را با کمال میل می‌پذیریم بلیت‌های واردین دوقران و سه قران است.»

همین سند کوتاه بیانگر چند نکته تاریخی است؛ نخست اینکه در آن زمان طبقه نسوان (زنان) اجازه حضور در سالن‌های نمایش فیلم را نداشتند چون فقط از «آقایان عظام» دعوت شده، دوم اینکه هرشب پرده‌های جدید نمایش می‌دادند که شامل مستندهای کوتاهی درباره اخبار جهان و مسایلی از این دست بوده و طبعا هیچ‌کس برای دیدن اخبار تکراری دو ریال یا سه ریال که در آن زمان پول کمی هم نبوده پرداخت نمی‌کرده است. نکته آخر اینکه نثرنویسی در آن عرصه چقدر شلخته و بی‌ضابطه بوده است مثلا سینما را به لفظ عامیانه «سینوما» نگاشته‌اند، از نقطه‌گذاری و دیگر اصول نگارش خبری نیست و کلا معلوم است این اعلان توسط کسی نوشته شده که زبان اصلی‌اش فارسی نبوده است. (احتمالا خود روسی‌خان) در اعلان‌های بعدی نوشتار کم‌کم ضابطه‌مند می‌شود و البته از خلال آنها با زبان جاری و نوشته‌های ژورنالیستی آن روزگار آشنا می‌شویم. نخستین پوستری که در ایران همراه با عکسی از فیلم و اطلاعاتی از آن چاپ شده و مهرابی نسخه‌ای منحصر به فرد از آن را در کتاب آورده مربوط به فیلم روسی «شیر مغولستان» به کارگردانی جان استاین محصول ۱۹۲۴ است که سال ۱۳۰۸ در سینما ماياک به نمایش درآمده. از آن پس پوسترسازی به عنوان یک حرفه جنبی سینما رونق می‌گیرد و مهرابی کوشیده است تا به‌رغم محدودیت‌ها سیر تدریجی از تحول و تکامل این شاخه از صنعت سینما در ایران را پی بگیرد. در این مجموعه کوشش شده تا از هر گرافیستی حتی اگر تنها یک اثر هم خلق کرده باشد نمونه‌ای آورده شود به همین دلیل فهرست کاملی از طراح‌ها و گرافیست‌هایی که در این زمینه کار کرده‌اند در دسترس خوانندگان و علاقه‌مندان و آیندگان قرار گرفته که نام و نشان برخی از نامداران این عرصه که اثر یا آثارشان در کتاب آمده از این قرار است: آیدین آغداشلو، امیراثباتی، علیرضا استهبد، فرح اصولی، محمدعلی باقری، محمدعلی حدت، ابراهیم حقیقی، بهزاد خورشیدی، قباد شیوا، فرشید مثقالی، پرویز محلاتی، مرتضی ممیز و... به هرصورت تورق این کتاب مجموعه‌ای از اسم‌های گاه متضاد را در بیننده ایجاد می‌کند. از نوستالژی گذشته تا فیلم فارسی و البته شادمانی و غرور، به‌ویژه دیدن پوستر برخی از آثار سینمای ایران که از اواخر ۱۳۴۸ به بعد ساخته شده و هنوز هم جزو آثار برجسته و ماندگار سینمای ایران به حساب می‌آیند، آدم را دچار حس غرور و شعف می‌کند و البته حسرت برای اینکه چرا و چگونه داریم از آن دوران طلایی فاصله می‌گیریم.